

شرق روزنامه

روی آنتن

تولید مستند «حیات وحش» در شبکه مستند

فتح‌الله امیری جوان مستعد و خلاقى است که اولین‌بار در سال ۱۳۸۱ با مستند «آب را گل نکنیم» در جشنواره فجر حضور یافت. حضور بعدی امیری در جشنواره فجر با مستند «زندگی در کسوف» بود که دیلم افتخار بهترین کارگردانی را از آن خود کرد و او سرانجام توانست سیمرغ بلورین سیمى‌امین دوره این جشنواره را با مستند «در جست‌وجوى پلنگ ایرانی» از آن خود کند. جشنواره بین‌المللی حفاظت از حیات‌وحش نیویورک، هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» و جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران نام تنها تعدادی از جشنواره‌هایی است که امیری با آثارش در آنها صاحب جایزه شده است.

این مستندساز این‌روضا آخرین مراحل ساخت «عروس بوکان» را برای شبکه مستند سیمیا پشت‌سر می‌گذارد و قرار است این اثر به‌زودی از این شبکه روی آنتن برود. وی درباره تولید این مستند توضیح می‌دهد: عروس بوکان مستندی است که به بررسی زندگی روبه‌انقراض یکی از زیباترین و بزرگ‌ترین پرندگان خشکی‌زی و دشت‌نزی ایران می‌پردازد. درباره شرایط تولید آن باید به سال ۸۹ برگردم که کارگردان این مستند آقای نیما عسگرى که فیلم‌بردار حیات‌وحش هم هست و آن زمان دانشجوی محیط زیست بود، از علاقه‌اش به کار درباره میش‌مرغ گفت؛ پرنده‌ای که اطلاعات ما درباره آن خیلی کم بود، از طرفی برای ما خیلی عجیب بود که پرنده‌ای با این عظمت هنوز در ایران منقرض نشده است.

امیری ادامه می‌دهد: سفرهای ما برای فیلم‌برداری از میش‌مرغ از همان زمان آغاز شد. در تحقیقات اولیه‌مان به این موضوع رسیدیم که میش‌مرغ فقط در بوکان آذربایجان غربی باقی مانده است. البته باید بگویم فیلم‌گرفتن از او غیرممکن نیست، اما کار ساده‌ای هم نیست؛ به‌ویژه اینکه پرنده به‌شدت بینایی قوی‌ای دارد. این مستندساز حیات‌وحش تأکید می‌کند: از همان موقع فیلم‌برداری آغاز شد و ما تمرکز کردیم از رقص میش‌مرغ فیلم بگیریم. میش‌مرغ سنگین‌ترین پرنده قادر به پرواز ایران است که در کشور ما کمتر از ۳۰ تا از آن باقی مانده و به‌شدت در خطر انقراض است. امیری درباره نحوه روایت مستند توضیح می‌دهد: فیلم سه داستان موازی دارد. اولین روایت درباره نیما عسگرى، کارگردان مستند، است که می‌خواهد میش‌مرغ را در حال رقص پیدا کند، داستان دوم درباره جوجه میش‌مرغى است که پیدا و به محیط زیست برگردانده می‌شود. روایت سوم نیز به مهندس احمدی، رئیس محیط زیست بوکان، مربوط می‌شود که تلاش می‌کند مرکز تحقیقاتی دایر کند و جلو انقراض این پرنده را بگیرد.



وی ادامه می‌دهد: هم‌زمان با جلو‌بردن این سه روایت، تحقیقات کار را نیز کامل می‌کردیم؛ به‌ویژه که این مرحله به دلیل نبود اطلاعات جامع و کامل، دشواری‌های خاص خود را داشت. محیط‌بان دکتر عبدالکریمی نیز در این پروژه کنار ما بود تا بتوانیم تصاویر بهتری بگیریم. تصویربرداری این مستند از سال ۹۰ تا اوایل تیرماه سال جاری ادامه داشت. البته بعد از اینکه فیلم تمام شد، یک جوجه میش‌مرغ پیدا شد. مرغ قبلی که پیدا شده بود نر بود و این یکی ماده است. ما می‌خواهیم درباره این دو نیز فیلم بسازیم و احتمالا پروژه بعدی‌مان سه سال طول می‌کشد.

تهیه‌کننده «عروس بوکان» درباره اهداف ساخت این مستند، این‌گونه می‌گوید: هدفمان از تولید این فیلم به‌تصویرکشیدن وضعیت میش‌مرغ بود. تا این اتفاق بتواند منجر به حفاظت از این پرنده شود. مستندهای حیات‌وحش معمولاً زمان‌بر هستند و ما دنبال این بودیم فیلم پایان خوبی داشته باشد و بتوانیم تخم‌های پرنده را در طبیعت پیدا و آنها را در دستگاه تکثیر کنیم تا از خطر انقراض این پرنده جلوگیری کنیم اما موفق نشدیم. بنابراین پایان فیلم عوض شد و واقعیتی را در این مستند نشان می‌دهیم که می‌گوید تعداد میش‌مرغ‌های ماده و مولد آن‌قدر کم است که بایداگردن آنها بسیار دشوار است.

پایان‌بندی حرف‌های امیری از این قرار است: میش‌مرغ پرنده‌ای نادر است که زمانی در دشت‌های سرسبز و سردسیری همدان، کردستان، خراسان، کرمانشاه، بناب، ارومیه، مهاباد و… می‌زیسته، اما امروزه به دلیل تخریب زیستگاه‌ها، محدوده پرکنش آن به شهرستان بوکان، در استان آذربایجان غربی محدود شده است. آمارها نشان می‌دهند ۳۰ الی ۴۰ عدد از ایس پرنندگان باقی مانده و این تعداد روند نزولی دارد. هدف از این مستند نشان‌دادن چرایی کاهش جمعیت این گونه و راهکارهای موجود برای رهایی از انقراض است. ساخت این مستند حدود پنج سال طول کشیده است. رفتار جفت‌یابی میش‌مرغ نر که در نوع خود کم‌نظیر است، برای نخستین‌بار در این فیلم به نمایش درمی‌آید. کرت‌شپب یا ارانه‌شده بوکان، در استان آذربایجان غربی محدود شده است. مشاهده است. عوامل «عروس بوکان» که در ۹۰ دقیقه تولید شده، عبارت‌اند از تهیه‌کننده: فتح‌الله امیری، کارگردان و تصویربردار: نیما عسگرى، پژوهش: محمد احمدی، نیما عسگرى، رحیم عبدالکریمی، تدوین: صادق رضائیا، صدابردار: مجتبی شیراوند، امیر عباسى، تصویربردار هوایی: مرضی شهریارى، مجری طرح: مؤسسه تصویر حیات‌وحش، تهیه‌شده در شبکه مستند سیمیا.

دربچه

پس از «شهرزاد» چه کنیم

مجید حسینی‌زاد

وقتی سریال شهرزاد به موفقیتی عجیب در بین مخاطبان دست یافت، بالاخص در مقایسه آن با سریالی تقریباً هم‌مضمون که هم‌زمان از سیمیا پخش می‌شد، توجه همه دوباره به رسانه‌های تصویری خانگی جلب شد. در سال ۱۳۷۲ پس از مصوبه شورای انقلاب فرهنگی در ۱۳۷۱ مبنی‌بر ایجاد نهادی برای ارتقای فرهنگ تصویری مخاطب و مقابله با تب ویدئو و… ابتدا مؤسسه رسانه‌های تصویری در تشکیلات وزارت فرهنگ و ارشاد تأسیس و تا سال ۱۳۷۹ به‌تت‌هایی و از آن سال تاکنون در کنار مؤسساتی خصوصی که وجودشان به تشکیل اتحادیه مؤسسات رسانه خانگی انجامید، به مسئولیت خود ادامه می‌دهد. در این مدت عمده کار این مؤسسات، توزیع فیلم و سریال بود و کم‌کم به تولید فیلم‌های ویدئویی و سریال روی آوردند که پس از چند آزمون و خطای ناموفق در زمینه سریال اجتماعی و حتی طنز که به ناامیدی مخاطب انجامید که در برهوت برنامه‌های نمایشی بالاخص در سیمیا به آن امید بسته بود، ناگهان موفقیت مجموعه ندنون‌طلا و پس از آن شهرزاد، امید و اعتماد مخاطب به میزان زیادی ترمیم شد. این بیان، تاریخچه مختصری بود که برای ورود به بحث درباره اهمیت و جایگاه ویدئو خانگی لازم می‌نمؤد. دلایل فراوانی از جمله تیزدن مخاطب از رقتن به سینما، ترجیح مخاطب در برخورد راحت‌تر و ارزان‌تر با محصولات فرهنگی در منزل، وجود ممیزی‌هایی با ریشه در سیاست یا ایدئولوژی که واقعیات ملموس برای مخاطب را تحریف می‌کنند، بالاخص در سیمیا و سینما و کمی بازتریودن آن در شبکه خانگی و فشارهای بیرونی بر‌دست‌انگاران هنر در تمام شئوناتش در کشورهای مختلف با فرهنگ‌ها و سیاست‌های حکومتی متفاوت و… اهمیت شبکه‌های خانگی را روزبروز افزایش داد به‌طوری‌که شرکت‌های عظیم در حیطه سینما همچون متروکدین‌مایر، فاکس قرن بیستم، کلمبیا پیکچرز و… در کنار کمپانی‌های عظیم تلویزیونی همچون اچ.بی. او. به سوی پخش محصولات تصویری در شبکه خانگی روی آورده‌اند و با ارائه سریال‌هایی چون ساری‌تاج‌نخست، بریکبک بد، انتقام، فرینج، فرنز و… بازار و مخاطب عظیمی به دست آورده‌اند. دراین‌میان چند مورد قابل‌تأمل است: اول اینکه پس از شهرزاد سریال موفقی نداشتیم که از سویی طبیعی است و قاعده این نیست که تمام محصولات این چنین باشند. عوامل متعددی مثل توانایی بازیگران، تیم کارگردانی، نویسندگان، انتخاب مضمون با توجه به شناخت از تمایلات اجتماعی، توجه به اولویت‌های ذهنی مخاطب و بسیاری از ریزبینی‌های دیگر که به تهیه‌کننده و شناخت او بستگی دارند، کادر فنی و… در این‌ر موفقی‌ها دخیل هستند و از سویی دیگر خطرناک است چون ممکن است به تقلید و کپی‌بینجامد. که لوث‌کننده تمام موفقیت‌هاست. دوم حفظ موفقیت است که احساس اشباع و لذت از چنین موفقیتی که به بسته‌شدن تفکر و نوآوری می‌انجامد، ناپودرگنر و احساس مسئولیتی در قبال مخاطبی که خود سازندگان توقع او را بالا برده‌اند و دقت به این امر هم‌ستم، یک روزی مغزمن کندتر است و شاید روزی شوخی‌های کمتری به ذهنم می‌رسد. همه اینها در خروجی کار مؤثر است. مطمئن باشید خندوانه برای کسی هیچ سفارشی نداشته و ندارد.

اما شاید بد نباشد در پایان به یک نکته هم اشاره کنم و آن این است که این موضوع فقط به‌عنوان یک پیشنهاد مطرح می‌شود و دوست دارم این اتفاق



عکس:حسین اسفغانی

گفت‌وگو با محمد بحرانی

ترکیب درست جناب‌خان با رامبد جوان است



بهناز شیربانی

محمد بحرانی پیش از حضورش در «خندوانه» و صدایشکی شخصیت جناب‌خان، مدتی صدایشکی عروسک‌های محبوب دیگری از مجموعه کلاه‌قرمزی را انجام داد که قطعاً سهم بیشتر این محبوبیت حاصل توانایی او بود و مدت‌هاست جناب‌خان بخشی مهم از زندگی او را به خود اختصاص داده است. عروسکی که محبوبیت عجیبی بین مخاطبان برنامه خندوانه پیدا کرده بود، ظاهراً قرار است در آینده اتفاقات دیگری برایش رقم بخورد. گفت‌وگو با محمد بحرانی در حاشیه رونمایی از برند جناب‌خان اتفاق افتاد؛ برندی که بحرانی نیز در آن مشارکت دارد و قرار است هر آنچه به این عروسک محبوب مرتبط است، از این طریق به دست دوستدارانش برسد.

❧ **حقیقت این است که جناب‌خان، مدت‌هاست یکی از شخصیت‌های محبوب ایرانی‌هاست و بدون شک یکی از عوامل موفقیت برنامه «خندوانه» حضور این شخصیت است. اما طبعاً «خندوانه» تابه‌حال دچار ممیزی‌هایی شده و شوخی‌های بداهه جناب‌خان نیز بخشی از این ممیزی‌ها بوده است. تصور می‌کنم همه بر این موضوع اشراف دارند که تلویزیون، مقتضاتی برای کارکردن دارد و این موارد بر کسی پوشیده نیست. چارچوب‌هایی هست که نباید از آنها خارج شد. همان‌طور که گفتید، برنامه ما هم بیشتر متکی بر بداهه است. ممکن است گاهی چیزهایی در ضبط اتفاق بیفتد که بعد مدیران به‌هردلیلی صلاح بداندن پخش نشود. گاهی وقت‌ها هم با تغییر مدیریت‌ها این خطوط قرمز جابه‌جا می‌شود. سلاقی متفاوت است و تصورم این است در دوره مدیریت جدید کمی فضا بازترشده و به نظر، این موضوع به کیفیت برنامه ما هم کمک کرده است.**

❧ **یکی از جذابیت‌های حضور جناب‌خان و اتفاقات برنامه «خندوانه» طبعاً بداهه‌بودن آنهاست. البته به نظر می‌رسد این بداهه‌پردازی در بسیاری از مواقع در مطرح‌کردن مسائل سیاسی یا اجتماعی باعث مشکلاتی هم شده است.**

خدا را شکر «خندوانه» زنده نیست، این به ما کمک می‌کند کمی راحت‌تر در استودیو اجرا کنیم و درنهایت اگر اتفاق بدی افتاده بود، در تدوین درست کنیم. اما همان‌طور که گفتید، ما روی یک خط عجیب راه می‌رویم که مدام باید با حساسان به هم‌چیز باشد، باید خبرگرددی کنیم و اطلاعاتمان به‌روز باشد و درباره بسیاری از اتفاقات روز صحبت کنیم. از طرفی مردم از همه اقشار هم توقع دارند حرفشان در برنامه زده شود.

❧ **فکر می‌کنید در حال حاضر «خندوانه» در موقعیت خوبی است؟**

«خندوانه» در این مدت دچار فرازونشیب‌های زیادی شد. به نظر، ما فصل دوم را در شرایط خوبی تمام کردیم و به قول معروف، در یک اوجی فصل دو تمام شد. طبعاً در فصل سوم، کار سختی داشتیم و چند دلیل باعث شد در شروع این فصل خیلی باقدرت حضور پیدا نکنیم. یکی از این دلایل این است که ما پیش‌تولید کم و کوتاه‌مدتی داشتیم، دوم اینکه ما دقیقاً از عید شروع کردیم. معمولاً یک برنامه در آغاز و با داشتن دکور یا ایده‌های جدید، کمی زمان می‌برد تا مخاطب با آن ارتباط برقرار کند و برنامه به روال منطقی برسد. اما وقتی در عید شروع می‌کنید، توقع مخاطبان این است که برنامه در بهترین موقعیت باشد و به نظر من، همین موضوع باعث شد در آغاز انتقادهایی نسبت به برنامه صورت گیرد. برخی از این انتقادات درست بود، اما به نظر، مدتی که گذشت و با دکور ارتباط گرفتیم، به فرم و روال سابق برگشتیم. عکس‌عمل‌هایی که این روزها از مردم یا دوستان خوبم در نشریات و رسانه‌ها و منتقدان دارم، گویای این است که خدا را شکر حال خندوانه و جناب‌خان خوب است.

❧ **آقای بحرانی! کمی از گذشته جناب‌خان صحبت می‌کنید، خالق این عروسک چه کسی است؟**

سؤال خوبی است، چراکه وقتی شخصیتی مثل جناب‌خان آن‌قدر دیده می‌شود، طبعاً حواشی کنارش زیاد می‌شود. واقعیت این است که جناب‌خان از «کوچه مروارید» شروع شد. «کوچه مروارید» کاری برای شبکه نمایش خانگی بود که آقای سالار زهی تهیه‌کننده و کارگردان این مجموعه بودند. در آغاز یک اتاق فکر متشکل از خود آقای سالار زهی، بنده، نیوشا صدر، بهادر مالکی، امیرسلطان‌احمدی و محمد نادری تشکیل شد. ما به‌اتفاق دور هم جمع شدیم و به این نتیجه رسیدیم داستان ما در یک محله اتفاق می‌افتد و شخصیت‌های این محله باید ویژگی‌های متفاوتی داشته باشند. به واسطه اینکه من در شیراز در محله‌ای بزرگ شدم که کلی از همسایه‌های ما جنوبی بودند و در تمام این سال‌ها با موزیک جنوب بزرگ شدم، پیشنهاد دادم یکی از شخصیت‌های محله می‌تواند یک جنوبی باشد، چراکه آدم‌های باحال و خوش‌رینمی هستند و لهجه زیبایی هم دارند و من هم می‌توانستم با این لهجه صحبت کنم. در آن جلسه همه از این طرح استقبال کردند و به این

نتیجه رسیدیم این شخصیت می‌تواند یک دوره‌گرد باشد، اسم شخصیت را هم محمد نادری، «جناب‌خان» گذاشت که نویسنده «کوچه مروارید» هم بود.

اما در این مجموعه هم خیلی از اتفاقات بداهه بود، یعنی لزوماً همه‌چیز برمبنای متن پیش نمی‌رفت؛ ازجمله آوازهای گاه‌وبی‌گاه جناب‌خان یادگار همان هم‌محله‌ای‌های جنوبی‌ام در شیراز بود. بنابراین می‌خواهم ادعا کنم که جناب‌خان خالقی ندارد، بلکه خالقانی دارد؛ از عروسک‌ساز خانم هدیه هاشمی گرفته تا تهیه‌کننده و کارگردان آقای سالار زهی، محمد نادری که در «کوچه مروارید» اسم‌گذاری و نویسندگی کرده، مهدی برقهی و حامد ذبیحی که عروسک‌کردان‌های این شخصیت هستند؛ امیر سلطان احمدی که همواره به من مشاوره داده و بسیاری از اوقات شعرهایی که جناب‌خان می‌خواند را او می‌نویسد و بچه‌هایی که در فصل سه در تیم ایده‌پردازی ما هستند، آقایان حسام مقامی‌کیا، مهدی شاه‌پیری، محمد عسگری و خانم مهناز خطیبی در این کار مشارکت دارند. لازم می‌دانم بگویم از شروع کار جناب‌خان در خندوانه، ما نویسنده یا متن نوشته‌شده‌ای نداشت‌ایم. براساس یک طرح کلی از خودم یا امیر سلطان‌احمدی به کمک عروسک‌کردان‌ها پیش رفت‌ایم و در فصل سه هم دوستانی که ذکر کردم به ما اضافه شدند. ایده طرح‌شده با رامبد مطرح می‌شود. او هم نظرهایش را می‌دهد و بقیه چیزها در صحنه و در لحظه اتفاق می‌افتد.

❧ **پس نمی‌توان گفت خندوانه خیلی به متن متکی است.**

بله، متن نوشته‌شده‌ای وجود ندارد، بیشتر شبیه اتاق فکری است که برای هر قسمت به یک طرح داستانی می‌رسیم آن طرح داستانی را با رامبد جوان مطرح می‌کنیم و با یک کش‌کاری کوچک برای اجرای برنامه آماده می‌شویم و سهم بیشتر آنچه در خندوانه می‌بینید، بداهه است. البته قبل از هر قسمت تحقیق کوچکی درباره پیشینه، قومیت و زبان میهمان داریم و بقیه چیزها در صحنه اتفاق می‌افتد و باید آماده باشیم که نسبت به حرف‌های میهمان واکنش نشان دهیم.

❧ **تعداد انگشت‌شماری از برنامه‌های عروسکی در تمام این سال‌ها به موفقیت چشمگیری رسیده‌اند که البته شما در دو مورد از بهترین‌های آنها «کلاه‌قرمزی» و صدایشکی «جناب‌خان» مشارکت داشتید. از نظر شما، اصول موفقیت برنامه‌های این چنینی چیست؟**

الان که درباره «کلاه‌قرمزی» صحبت شد، باید بگویم ایرج طهماسب بهترین معلم من در زندگی بوده، تأکید او همیشه این بوده است که از صفر تمرین کنیم و از صفر احساسات انسانی را بازنگری و مفاهیم ابیدی و ازلی را پیدا کنیم؛ مفاهیمی که همیشه آدم با آنها احساس قربایت می‌کند. در حال حاضر واکنش نشان دهید.

احساس می‌کنم مردم «جناب‌خان» را به‌عنوان یک عروسک نمی‌بینند، چون در آغاز ما هم «جناب‌خان» را به‌عنوان یک عروسک ندیدیم. «جناب‌خان» مثل همه ما خصوصیات خوب و بد زیادی دارد. مثلاً می‌تواند بی‌جنبه باشد یا زمانی خشن شود یا مهربان باشد و عاشق‌پیشه و همه کارهایی که یک آدم معمولی می‌تواند انجام دهد. از طرف دیگر یک اتفاق عجیب افتاده که به نظر، در تلویزیون بی‌سابقه است و آن این است که برای اولین‌بار این اعتراض را داریم که چرا به کوش و لهجه ما آواز نمی‌خوانید یا حرف نمی‌زنید؟ جالب است همیشه در تلویزیون این اعتراض وجود داشته که چرا این سریال با لهجه ما بوده؟ نمی‌دانم چرا، شاید به‌غلط احساس تمسخر می‌کردند. اما ما نشان دادیم به شما احترام می‌گذاریم؛ اینکه لرها ببینند کردی چقدر زیباست، فارس‌ها از شنیدن عربی لذت ببرند، بلوچ‌ها آوازهای گیلکی را بشنوند و همه از لهجه و زبان همدیگر لذت ببریم.

❧ **برند جناب‌خان به تازگی معرفی شده است. شما هم در این اقدام سهم هستید، اما به نظر می‌رسد کمی دیر در این زمینه اقدام کردید.**

بعد از اینکه «جناب‌خان» در خندوانه دیده شد، سبیلی از عروسک‌های

تقلیبی به بازار آمد. طبیعتاً رعایت‌نکردن حق کپی‌رایت مسا را به‌عنوان تولیدکننده آزار می‌داد. بعد از آن یک سری شکایات هم مطرح شد مبنی بر اینکه این عروسک‌هایی که شما فروختید با چراچه بی‌کیفیت باعث بیماری یا حساسیت بچه‌ها شده و… درحالی‌که ما از هیچ چیز خبر نداشتیم و فقط درگیر تولید برنامه بودیم. هیچ‌کدام از عروسک‌هایی که به بازار می‌آمد، کار مسا نبود. تا اینکه حس کردیم این اتفاق نیاز به سامان‌دادن از طرف مجموعه دارد. درنهایت آقای سالار زهی، رامبد جوان و بنده این کار را شروع کردیم